





سرشناسه : امامی نیا، محمدرضا، ۱۳۴۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : حکمت الهی (بخش امور عامه) / محمدرضا امامی نیا
 مشخصات نشر : قم : نشر راید، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری : ۱۹۹ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک : 978-600-92475-8-5
 فهرست نویسی : فیبا
 اعداداشت : کتابنامه: ص. [۱۹۷] - ۱۹۹.
 موضوع : فلسفه اسلامی
 موضوع : Islamic philosophy
 رده بندی کنگره : ۱۴BBR
 رده بندی دیویی : ۱/۱۸۸
 کتابشناسی ملی : ۵۸۲۰۱۷۴

شناسنامه

نام کتاب: حکمت الهی
 مؤلف: محمد رضا امامی نیا
 ناشر: راند
 نوبت چاپ: آوا / ۱۳۹۸ / قم
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 طرح جلد: حسن جنتی راند
 صفحه آراء: عطاء الله نصیری
 شابک: ۹۳۳۷۵-۸-۵-۰۰-۱۳۹۸



کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش : انتشارات راند؛ قم: ۰۹۱۹۷۴۶۳۱۳۳ - ۰۲۵۳۳۸۱۲۹۰۰

پیشگفتار

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ (اعراف: ۴۳)، و الصلوة والسلام علی انبیاء الله و رسله، سیمّا خاتمهم و افضلهم محمد و آله الأوصیاء، سیمّا خاتمهم حجة بن الحسن المهدي علیه السلام.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَكْنَا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾ (یوسف: ۸۸).

نگارنده پس از توفیق پژوهشی گسترده در حکمت الهی و تدریس آن در سطوح مختلف و دوره های متعدد، این مجموعه را تألیف و آن را به برخی از مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی عرضه کرده و به حمد الهی با استقبال دانش پژوهان گرانقدر این مراکز مواجه شده است.

از خواننده گرامی تقاضا می شود خطای احتمالی را بخشیده و با تذکر آن، نگارنده را در اصلاح خطایاری فرماید.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۶
مقدمه.....	۱۲
(ا) تعریف حکمت الهی.....	۱۲
(ب) موضوع حکمت الهی.....	۱۳
(ج) غایت حکمت الهی.....	۱۵
(د) روش تحقیق در حکمت الهی.....	۱۶
(ه) مسائل حدیث الهی.....	۱۶
مسئله اول: ادالت جود و نصاریت ماهیت.....	۱۸
مقدمه.....	۱۸
احتمالات در باره صدق خارجی مفهوم وجود و مفهومی ماهوی.....	۱۸
شواهدی از کلمات بزرگان حکمت متعالیه در باره احتمال صحیح در مسئله.....	۱۹
نتیجه گیری.....	۲۲
برهان مسئله.....	۲۳
مسئله دوم: وحدت تشکیکی وجود.....	۲۸
مقدمه.....	۲۸
تشکیک در منطق.....	۲۸
تشکیک در حکمت الهی.....	۲۹
(ا) تشکیک در ماهیت.....	۲۹
(ب) تشکیک در وجود.....	۳۰
مسئله سوم: انقسام موجود به مستقل و رابط.....	۳۶
بیان انقسام موجود یا وجود به مستقل و رابط از منظر حکمای الهی پیشین.....	۳۶
دیدگاه حکمت متعالیه در باره انقسام موجود یا وجود به مستقل و رابط.....	۳۰
نحوه اختلاف وجود مستقل و رابط.....	۳۱

مسأله چهارم: انقسام موجود به واجب و ممکن	۴۴
مواد قضایا	۴۴
اقسام وجوب (ضرورت) بالذات	۴۶
اقسام امکان	۴۹
۱. امکان عام و عامی	۴۹
۲. امکان خاص و خاصی	۵۱
۳. امکان استعدادی	۵۲
۴. امکان وقوعی	۵۳
۵. امکان فیزی	۵۳
وجوب وجود سابق و لاحق موجود امکانی	۵۵
۱. وجوب وجود سابق موجود امکانی	۵۵
۲. وجوب وجود لاحق موجود امکانی	۵۸
نیازمندی وجود ممکن به وجود علت تامه و ملاک این نیازمندی	۵۹
نیازمندی وجود ممکن به وجود علت تامه	۵۹
ملاک نیازمندی وجود ممکن به وجود علت تامه	۶۰
نیازمندی وجود ممکن به وجود علت تامه در بقا	۶۴
مسأله پنجم: انقسام موجود به موجود بالذات و موجود بالعرض	۶۶
مقدمه	۶۹
خروج اوصاف و عوارض ماهیت (مفاهیم ماهوی) از محدوده ذات و ذاتیات آن	۶۸
اعتبارات طولی و عرضی ماهیت	۷۲
دو کاربرد ماهیت بشرط لا و مجرد	۷۲
فرق های دو کاربرد ماهیت بشرط لا	۷۳
ماهیت لا بشرط قسمی و لا بشرط قسمی	۷۳
دیدگاهها در باره وجود کلی طبیعی در خارج	۷۴
ذاتی و عرضی	۷۶
ویژگی های مفاهیم ذاتی و عرضی	۷۷
جنس، فصل و نوع و احکام آنها	۷۹
تقسیم جنس و نوع به عالی، متوسط و سافل	۸۰
اعتبارات سه گانه جزء مشترک در مقایسه با جزء مختص	۸۰
اعتبارات دو گانه جزء مختص در مقایسه با جزء مشترک	۸۰

۸۱	برخی از احکام
۸۲	دو کاربرد لفظ فصل
۸۳	فصل حقیقی نوع جوهری مادی
۸۵	فصل حقیقی اخیر هر نوع
۸۵	برخی از احکام نوع
۸۷	تفسیر کلی و جزئی
۹۰	مسأله ششم: انقسام موجود به واحد و کثیر
۹۲	شبهه تناقض در انقسام موجود به واحد و کثیر و مساوقت وحدت با موجود
۹۳	انقسام واحد و وحدت
۹۳	۱. واحد حقیقی
۹۳	ب) واحد غیر حقیقی
۹۶	هوهویه؛ لازم، وحدت
۹۷	۱. حمل بوی ذاتی
۹۷	۲. حمل شایع صنعتی
۹۹	۳. حمل حقیقت و رققت
۹۹	غیریت؛ لازمه کثرت
۹۹	۱. غیریت غیر ذاتیه یا خلاف
۱۰۰	۲. غیریت ذاتیه یا تقابل
۱۰۲	انقسام تقابل
۱۰۴	مسأله هفتم: انقسام موجود به علت و معلول
۱۰۴	اثبات علیت و معلولیت
۱۰۶	مجموع و اثر علت
۱۱۰	تقسیمات علت
۱۱۰	ا) علت حقیقی و اعدادی
۱۱۳	ب) علت تامه و ناقصه
۱۱۳	تمامیت فاعلیت الهی نسبت به وجود امکانی
۱۱۴	وجوب بالقیاس وجود معلول و وجود علت
۱۱۷	قاعده الواحد
۱۱۷	تبیین قاعده

۱۱۸	برهان قاعده.....
۱۲۰	سازگاری قاعده الواحد با عمومیت قدرت الهی و توحید خالق.....
۱۲۱	استحاله دور و تسلسل در علل.....
۱۲۱	تعریف دور.....
۱۲۱	استحاله دور و دلیل آن.....
۱۲۳	تعریف تسلسل.....
۱۲۳	شرایط تسلسل محال.....
۱۲۳	بطلان تسلسل و دلیل آن.....
۱۲۵	اقسام حالت فاعلی.....
۱۲۹	دیدگاه علامه به باطنی در باره فاعل بالجبر و فاعل بالعنایه.....
۱۳۳	غایت فاعل، غایت فاعل و علت غایی.....
۱۳۳	غایت فعل.....
۱۳۷	علت غایی.....
۱۳۸	غایت فاعل و علت غایی در خدلوند متعال و نقد دیدگاههای نادرست.....
۱۴۰	وجود خدلوند غایت غایت.....
۱۴۲	مسأله هشتم: انقسام موجود به موجود بالفعل و وجود بالقوه.....
۱۴۲	کاربرد های واژه قوه.....
۱۴۲	ا) کاربردهای عرفی.....
۱۴۳	ب) کاربردهای حکمی.....
۱۴۴	وجود بالقوه و وجود بالفعل چیزی و اتحاد آنها با وجود قابل.....
۱۴۸	چیستی و مقومات حرکت و تعریف حرکت جوهری و عرضی.....
۱۵۱	تغییر دفعی (تکوّن) و تغیر تدریجی (حرکت).....
۱۵۲	حرکت توسّلی و قطعی.....
۱۵۶	مسأله نهم: انقسام موجود به موجود سابق (متقدم) و موجود لاحق (متأخر) یا معیت هار.....
۱۵۷	اقسام تقدم و تأخر و معیت.....
۱۵۷	۱. تقدم و تأخر بالرتبه یا رتبی و ترتیبی.....
۱۵۹	۲. تقدم و تأخر بالشرف و الفضلیة یا بالخسة و الرذیلة.....
۱۶۱	۳. تقدم و تأخر بالزمان یا زمانی.....
۱۶۳	۴. تقدم و تأخر بالماهية یا بالجوهر یا بالتجوهر.....
۱۶۴	۵. تقدم و تأخر بالحقیقة و المجاز.....

۱۶۵	۶- تقدم و تأخر میان علت و معلول
۱۶۵	۶- ۱. تقدم و تأخر بالطبع
۱۶۶	۶- ۲. تقدم و تأخر بالعلة
۱۶۷	۶- ۳. تقدم و تأخر بالدهر یا دهری
۱۶۹	۶- ۴. تقدم و تأخر بالحق
۱۷۲	مسأله هفتم: انقسام موجود به حادث و قدیم
۱۷۳	اقسام حدوث و قدم
۱۷۳	۱. حدوث و قدم زمانی
۱۷۷	۱. حدوث و قدم ذاتی
۱۷۹	۳. حدوث و قدم دهری و سرمدی
۱۸۰	۴. حدوث و قدم بالحق
۱۸۲	مسأله یازدهم: علم، عالم و معلوم
۱۸۲	مقدمه
۱۸۳	نحوه تحقق اقسام تصور در انسان
۱۸۳	نحوه تحقق تصور حسی، خیالی، و عقلی در انسان
۱۸۶	اثبات حصول تصور حسی و عقلی از علم حضوری به موجود مجرد
۱۸۸	نحوه تحقق تصور وهمی در انسان
۱۸۸	حکایت گری تصور از واقعیت خارجی (مسأله وجود فاعل)
۱۹۱	اتحاد علم و عالم و معلوم
۱۹۱	اتحاد علم و عالم و معلوم در علم حصولی
۱۹۲	اتحاد علم و عالم و معلوم در علم حضوری
۱۹۶	فهرست منابع

مقدمه

۱) تعریف حکمت الهی^۱

واژه حکمت دو کاربرد دارد: ۱. به معنای اعم؛ ۲. به معنای اخص.

۱. حکمت به معنای اعم به دو شاخه نظری و عملی تقسیم می‌شود.

حکمت نظری: شناخت موجوداتی است که هستی آن‌ها در اختیار انسان نیست، مانند وجود خداوند متعال، آسمان، زمین و انسان.

حکمت عملی: شناخت اموری است که به اراده انسان تحقق می‌یابند، یعنی افعال ارادی انسان.

حکمت نظری به دو شاخه تقسیم می‌گردد:

۱. حکمت الهی، فلسفه اولی و الهیات: بخشی از حکمت نظری است که در باره

اعراض ذاتیه موجود بما هو موجود (وجود لا بشرط شی) تحقیق می‌کند.^۳

۱. ر. ک: شیخ رئیس، ابن سینا، الهیات الشفاء، از ص ۱۱؛ تهرانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ج ۳، ص ۳۶۵ شیرازی، صدرالدین، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۱، ص ۲۰؛ هیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۶۶۶؛ جوادی آملی، عبدالله، ریح مختوم، ج ۱، بخش ۱، از ص ۱۲۱.

۲. تعریف علم گاهی از طریق موضوع و گاهی از راه غایت آن است؛ تعاریف فوق‌الذکر از موضوع حکمت نظری و عملی و اقسام آن‌ها است. شیخ رئیس در باره تفاوت حکمت نظری و عملی از جهت موضوع و غایت گفته‌است: «إن النظرية هي التي يطلب فيها استكمال القوة النظرية من النفس لحصول العقل بالفعل، وذلك بحصول العلم التصوري والتصديقي بأمور ليست هي بآنها أفعالاً وأحوالاً، فتكون الغاية فيها حصول رأي واعتقاد ليس رأياً واعتقاداً في كيفية عمل... وإن العملية هي التي يطلب فيها أولاً استكمال القوة النظرية بحصول العلم التصوري والتصديقي بأمور هي بآنها أفعالاً ليحصل فيها ثانياً استكمال القوة العلمية بالأخلاق» (شیخ رئیس، ابن سینا، الهیات الشفاء، ص ۱۱). در این عبارت به تعریف حکمت نظری و عملی از راه غایت (هي التي يطلب فيها...) و از طریق موضوع (العلم التصوري والتصديقي بأمور...) اشاره شده‌است.

۳. حکمت الهی را به این دلیل فلسفه اولی می‌نامند که از اولین امور در وجود- یعنی علت نخستین (واجب الوجود بالذات)- و اولین امور در عمومیت و شمول- یعنی وجود و وحدت- تحقیق می‌کند (شیخ رئیس، ابن سینا، الهیات الشفاء، ص ۲۴ و نیز سبزواری، هادی، شرح المنظومة، ج ۳، ص ۵۰۲، ت ۱ از وی).

به فلسفه اولی، علم اعلی و فلسفه علیا (مونت اعلی) در برابر فلسفه وسطی (ریاضیات) و فلسفه سفلی (طبیعیات) گفته می

۲. حکمت ریاضی، فلسفه وسطی و تعلیمات: بخشی از حکمت نظری است که در باره اعراض ذاتیه موجود بشرط شی (ماده) در خارج (کم) پژوهش می کند.
۳. حکمت طبیعی، فلسفه سفلی و طبیعیات: بخشی از حکمت نظری است که در باره اعراض ذاتیه موجود بشرط شی (ماده) در ذهن و خارج (جسم) کاوش می کند.

حکمت عملی نیز سه شاخه دارد:

۱. علم اخلاق و حکمت خلقی؛
۲. علم تدبیر منزل و حکمت منزلی؛
۳. علم سیاست مدنی و حکمت مدنی؛ زیرا موضوع حکمت عملی - یعنی فعل ارادی انسان - یا به خود او اختصاص دارد یا در ارتباط او با خانواده است یا در ارتباط او با مردم، قسم اول، موضوع حکمت خلقی، قسم دوم، موضوع حکمت منزلی و قسم سوم، موضوع حکمت مدنی است.

شود؛ زیرا موضوع فلسفه اولی، موجود بما هو موجود و به ماده در خارج و ذهن مقید نیست، در حالی که موضوع ریاضی، موجود مقید به ماده در خارج و موضوع طبیعیات، موجود مقید به ماده در ذهن و خارج است؛ از این رو، فلسفه اولی به جهت برتری موضوع خود از جایگاه بالاتری نسبت به ریاضی و طبیعی برخوردار است. علت نامگذاری فلسفه اولی به حکمت الهی این است که از مجردات و وسایط عالی موجودات و از مسبب الاسباب و مبدا المبادی - یعنی اله العالم - تحقیق می کند (شیخ رئیس، ابن سینا، الهیات الشفاء، ص ۱۲) و نیز شایسته خداوند متعال برترین غایت این علم است (همان، ص ۳۲)، و تحقیق در باره احوال موجود بما هو موجود در تقسیم آن به واجب و ممکن در حقیقت برای شناخت وجود اله عالم و آثار و افعال اوست؛ زیرا ممکنات افعال الهی اند (آمالی، محمد بنی، در الفوائد، ج ۱، ص ۴۲۱).

۱. حکیم لاهیجی در باره حکمت نظری و عملی و سه شاخه آن گفته است: «بدان که حکمت که علم است به احوال اعیان موجودات علی ما هی علیه فی نفس الامر، بر دو قسم است: نظریه و عملیه. اما حکمت نظریه، علم به احوال موجوداتی است که وجودش متعلق به قدرت و اختیار انسان نباشد، مانند علم به وجود واجب الوجود و مبادی غایبه و افلاک و عناصر و نفوس و قوی و صور و طبایع الی غیر ذلك.

و اما حکمت عملیه، علم به احوال موجوداتی است که وجودش متعلق به قدرت و اختیار انسان باشد، مانند اعمال و افعال ما؛ از این جهت که مؤدی به صلاح معاش و معاد باشد. و آن اگر به اعتبار مشارکت با جماعتی باشد در منزل، آن را علم تدبیر منزل گویند. و یا در بلد، آن را علم سیاست خوانند. و اگر نه به اعتبار مشارکت باشد؛ بلکه به اعتبار انفراد باشد من حیث یبغی آن بفعل و لا یبغی آن بفعل، آن را علم تهذیب اخلاق خوانند» (لاهیجی، عبد الرزاق، گوهر مراد، ص ۶۶۶).

۲. حکمت به معنای اخص، همان حکمت الهی و فلسفه اولی است.
هرگاه واژه حکمت و فلسفه به طور مطلق به کار رود مراد حکمت الهی و فلسفه اولی خواهد بود.

ب) موضوع حکمت الهی

موضوع^۱ حکمت الهی، موجود بما هو موجود است و مقصود از موجود، واقعیت خارجی است نه مفهوم ذهنی آن، و مراد از بما هو موجود، لا بشرط بودن موجود نسبت به جمیع قیود- همچون خارجی و ذهنی، مجرد و مادی- به ویژه قید ماده است.
توضیح این که موجود به سه نحوه لحاظ می گردد:
۱. موجود لا بشرطی، یعنی لا بشرط از تقید به ماده در خارج و ذهن که موضوع حکمت الهی است.

۲. موجود بشرط تقید به ماده در وجود خارجی که مقدار این ماده کم بوده و موضوع حکمت ریاضی است؛ برای مثال موضوع علمیه بخشی از حکمت ریاضی، کم متصل قار (خط، سطح و حجم) بوده که در خارج بر جسم (ماده و صورت جسمیه) عارض می شود، ولی در ذهن می توان آن را بدون جسم نیز تصور کرد.

۳. موجود بشرط تقید به ماده در وجود خارجی و ذهنی که موضوع حکمت طبیعی است. موضوع حکمت طبیعی همان جسم است که در خارج از ماده و صورت جسمیه ترکیب شده است و صورت ذهنی آن نیز جوهری است که از ماده و صورت جسمیه ترکیب یافته است.

۱. در تعریف موضوع گفته شده است: «موضوع کل علم ما یبحث فیه عن أعراضه الذاتیه»، برای اطلاع از تعریف عرض ذاتی، ر. ک: طوسی، نصیرالدین، شرح الإشارات والتنبیحات، ج ۱، صص ۵۹-۵۸؛ یزدی، ملا عبدالله، حاشیه بر تهذیب المنطق، ص ۲۶؛ آملی، محمد تقی، درالقوائد، ج ۲، ص ۱۲۷؛ جوادی آملی، عبدالله، رحیق مختوم، ج ۱، بخش ۱، ص ۲۲۴ و نیز برای آگاهی از اقسام أعراض ذاتی موضوع حکمت الهی ر. ک: جوادی آملی، عبدالله، رحیق مختوم، ج ۱، بخش ۱، صص ۲۲۷-۲۲۵.

ج) غایت حکمت الهی

واژه غایت علم دو کاربرد دارد:

۱. اگر علمی نسبت به علم دیگر جنبه ابزاری و مقدماتی داشته باشد، علم دوم را غایت علم نخست می‌نامند.

۲. فواید و نتایج مترتب بر یک علم^۱.

حکمت الهی غایت به معنای اول ندارد؛ زیرا حکمت الهی به دلیل اعم بودن موضوعش (وجود بما هو موجود) از هر علمی عام‌تر بوده، و هیچ علمی بالاتر از آن وجود ندارد. غایت حکمت الهی باشد^۲. به دیگر بیان، حکمت الهی از احکام کلی موجود بما هو موجود که همه مصادیق خود را در بر می‌گیرد تحقیق می‌کند، در نتیجه چنین تصور نمی‌شود که برخی از احکام کلی موجود بما هو موجود یا بعضی از مصادیق آن در حکمت الهی بیان می‌شود و بعضی در علمی دیگر، و از این احکامی که در حکمت الهی بیان شده‌است به عنوان مقدمه برای تبیین آن احکام در علم دیگر استفاده می‌گردد که در این فرض، حکمت الهی، علمی آلی و آن علم غایت حکمت الهی خواهد شد.

اما فواید و نتایج آن عبارت‌اند از:

۱. تشخیص امور واقعی از پنداری؛

۲. شناخت مبدا المبادی (واجب الوجود بالذات) و وسایل عالی وجود؛

۳. اثبات موضوع علوم، یعنی اثبات کم به عنوان موضوع حکمت ریاضی و جسم به

عنوان موضوع حکمت طبیعی و فعل ارادی انسان به عنوان موضوع حکمت عملی.

۴. تأمین مبادی مورد نیاز علوم، همچون اصل تناقض و علیت^۳.

۱. همان، ص ۲۳۱.

۲. طباطبایی، محمد حسین، نهاية الحکمة، ص ۶.

۳. شیخ رئیس، ابن سینا، الهیات الشفاء، ص ۱۱۲؛ طباطبایی، محمد حسین، نهاية الحکمة، ص ۵ و ۱۴ همو، بداية الحکمة، ص ۷.

د) روش تحقیق در حکمت الهی

روش تحقیق در حکمت الهی، استدلال عقلی یقینی (برهان) است که از جهت صورت از قیاس اقترانی و استثنایی و استدلال مباشر-مانند عکس نقیض- و از حیث ماده از مقدمات یقینی تشکیل می شود.^۱

ه) مسایل حکمت الهی

مسایل حکمت الهی، قضایایی است که موضوع آن‌ها موضوع حکمت الهی و محمولشان اعراض ذاتی این موضوع است. این مسایل در دو بخش طبقه بندی می شوند: امور عامه و الهیات. معنای اخص. مقصود از امور عامه، مفاهیمی است که یا به همه موجودات صدق می کند- همچون مفهوم موجود، واحد و علت- یا به بیشتر آن‌ها، مانند مفهوم کثیر و معلول.^۲ اما از الهیات به معنای اخص نیز مسائلی است که به وجود واجب متعال ارتباط دارد، همچون شناخت وجود، توحید و صفات خداوند.^۳ نوشتار پیش رو به بخش امور عامه اختصاص دارد و الهیات به معنای اخص در کتاب دیگری به نام «الهیات» سامان دهی شده است.

۱. طباطبایی، محمد حسین، نه‌ایة الحکمة، صص ۴ و ۶.

۲. آملی، محمد تقی، دررالفوائد، ج ۱، ص ۱۶.

۳. همان، ص ۱۴.